

فصلنامه «پژواک زنان در تاریخ» از همه فعالین و نویسندگانی که در انتشار این شماره همکاری کرده‌اند، کمال تشکر دارد و امیدوار است که همچنان در ادامه این کار، پایدار و پیروز باشند. زنان در درازنای تاریخ، همواره در صف اول آسیب‌های اجتماعی قرار داشته‌اند. وقایع اخیر افغانستان و در مجموع شرایط کنونی این نقطه از جهان، ما را برآن داشت تا این شماره فصلنامه را به زنان افغان و زنان موسوم به داعشی، تخصیص دهیم، هرچند از لحاظ شرایط اجتماعی و مکانی، تفاوت‌هایی در میان آن‌ها وجود دارد، اما یک نکته مشترک و بسیار مهم در این مقوله کاملاً آشکار و هویداست، و آن آسیب‌شناسی زنان خاورمیانه است.

سرنوشت زنان افغان از آغاز سده ۱۴ خورشیدی تا به امروز، پا به پای تحولات آن کشور در حال نوسان و پیشرفت یا پسرفت بوده، و هیچ قانونی موقعیت آن‌ها را تثبیت و تداوم نبخشیده است. مقاله جنبش‌های سیاسی اجتماعی زنان در افغانستان از دوران امان‌الله‌خان تا طالبان، نوشته خانم فائزه توکلی، دوره اصلاحات مدرن امان‌الله‌خان را در ۱۳۰۲ خورشیدی با تأکید بر جنبش‌های اجتماعی به بحث گذارده است. ایشان نشان داده که چگونه سرنوشت زنان با تغییر سیاسی دگرگون شد. امان‌الله‌خان سعی داشت از طریق قوانین مدرن، شرایط فرهنگی اجتماعی زنان را بهبود بخشد که با شورش بچه سقا (حبیب‌الله کلکانی) بهم خورد، و زنان و دختران حتی از حق تحصیل هم محروم شدند.

شرایط زنان در دوره محمدظاهرشاه بهبود یافت، تا آنجا که فعالیت سیاسی برای آنان آزاد شد، ولی با اشغال افغانستان توسط شوروی (۱۳۵۸ خورشیدی) و تشکیل دولت کمونیستی و متعاقب آن دخالت مستقیم آمریکا و کشورهای اروپایی که منجر به جنگ داخلی (۱۳۶۷) در این

کشور گردید، شکست خورد. از پیامدهای این اوضاع، روی کار آمدن طالبان بود که زنان را از کلیه حقوق سیاسی و اجتماعی و فرهنگی محروم کرد.

با شکست طالبان، زنان افغان بار دیگر به فعالیت‌های سیاسی و اجتماعی و فرهنگی - هنری روی آوردند، و با تشکیل انجمن‌هایی متعدد، به پیشرفت‌هایی چشمگیر نائل آمدند.

«تبیین و تحلیل اجتماعی و وضعیت فرهنگی و اجتماعی زنان در عصر امان‌الله‌شاه و محمدظاهرشاه»، نوشته خانم سارا نوری به توصیف جامعه افغان و میزان تاثیرگذاری تعصب و سنت در برخورد با زنان، سرکوب و شرایط زندگی آنان و همچنین به کوشش‌های امان‌الله‌خان و محمدظاهرشاه در اجرای قوانین مربوط به ازدواج و وضع زنان و ورود آنان به عرصه کار و تحصیل و فعالیت پرداخته است. خانم نوری در این مقاله جزئیات انتشار مجلات زنان و تأسیس انجمن‌های خیریه و مدارس دخترانه را نیز توصیف کرده است.

پوهنیا آریتا ابراهیمی، استاد دانشگاه هرات، در مقاله خود که در سال ۱۴۰۰ نوشته، دوران نوگرایی امان‌الله‌خان و ملکه ثریا را با تأکید بر این که یکی از ارکان سیاست آن‌ها، ارتقای حقوق زنان بوده، و اثبات این که سرنوشت زنان به سادگی تغییر نمی‌کند و ساختارهای کهن اجتماعی با انعقاد قانون‌های بیگانه برداشت شده از غرب به آسانی دگرگون نمی‌گردد، توصیف کرده است.

«درآمدی بر تاریخ شفاهی زنان افغان»، نوشته پیمان صالحی، اهمیت تاریخ شفاهی را در مورد تاریخ زنان بازگو می‌کند، و نشان می‌دهد که از این طریق چه نتایجی به دست می‌آید. ایشان ضمناً به فعالیت چند مؤسسه در این زمینه اشاره نموده که از آن جمله دفتر زنان سازمان ملل متحد و یک سازمان مستقل غیرانتفاعی نروژی است.

یکی از ویژگی‌های تاریخ شفاهی، بازگویی سرنوشت زنان از زبان خودشان است که ثبت آنها، بهترین دستاوردها را برای پژوهشگران مطالعات زنان در بر داشته است.

حمیرا سقیب، در گزارش «مشارکت سیاسی زنان افغان»، نکاتی مهم را گردآوری کرده و خواننده را با انبوهی اطلاعات و آمارهایی که حاکی از امکانات ازدست‌رفته زنان افغان است، روبرو می‌سازد؛ البته چنانچه معتقد به تکرار تاریخ باشیم، خواهیم دید که دیر یا زود، سرنوشت زنان افغان بار دیگر متحول می‌گردد.

«مهمان‌سرای بیوه‌های جوان یا در میان زن‌های داعشی»، معرفی کتاب خانم آزاده معاونی درباره سرنوشت زنانی است که به داعش پیوستند. این زنان جوان از کشورهای خاورمیانه و اروپا با این باور که به خدمت اسلام درآمده‌اند! به داعش پیوستند، اما هر یک با سرنوشتی شوم مواجه شدند. آنان با زور به ازدواج اعضای داعش درآمدند و پس از شکست آن‌ها و مرگ

همسران‌شان، با فرزندان خود روانهٔ بازداشتگاه‌ها شدند، و اکنون به نظر می‌رسد که نه راه پیش دارند و نه راه پس.

نویسنده در این کتاب، موفق به مصاحبه با عده‌ای از این زنان جوان شده و به گردآوری گفته‌های آنها پیرامون انگیزه‌های پیوستن به داعش و آنچه بر آنها گذشته، پرداخته که عبرت‌انگیز و آگاه‌کننده است.

سخن سردبیر
منصوره اتحادیه